DOI: 10.22067/ social.2023.84031.1409

A Sociological Analysis of the Relationship between Media Literacy and Tendency to Delinquent Behavior (Case Study: Tabriz High School Students)[1]

Pedram Ranjbar[2]
MA Student in Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran

Habib Ahmadi
Professor, Department of Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran

Mahrokh Rajabi
Assistant Professor, Department of Demography, Shiraz University, Shiraz, Iran

Revised: 17 November 2023 Accepted: 1 December 2023 Received: 20 August 2023

Abstract
In recent years, the new media have been playing a central role in shaping the actions of teenagers, so that they have become an effective factor in maintaining social order or creating criminal behaviors. In the meantime, along with the increase in the use of new media, the discussion of media literacy has also gained special importance. Therefore, the purpose of this study was to study the relationship between media literacy and tendency to delinquent behaviors among high school students. So, 390 students of Tabriz city were selected multistage cluster sampling method. The data was collected taking surveying method and using a researcher-made questionnaire. The findings indicated that there is no significant difference between tendency to delinquent behaviors and gender and type of school. However, there is a significant difference between tendency to delinquent behaviors among students and their location or area of residence. Tendency to delinquent behaviors among respondents living in low-income areas is more than those living in semi-privileged and privileged areas. There is a significant negative correlation between the socio-economic status of students' families and students' media literacy with tendency to delinquent behaviors (-0.27) and (-0.33), respectively. Through applying structural equation modeling using Amos software, it was found that socio-economic status of

1. This article is based on the master's thesis of Pedram Ranjbar, defended at Shiraz University.
2. Corresponding Author. Email: pedramranjbar1993@gmail.com

families (-0.30) and media literacy (-0.33) affect students' tendency toward delinquent behaviors.

Keywords: Media Literacy, Delinquent Behavior, Delinquency, Students, Tabriz

DOI: 10.22067/ social.2023.84031.1409
مقالۀ پژوهشی - مطالعه موردی

تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتار بزهکارانه (مطالعه موردی: دانش‌آموزان دورۀ متوسطۀ شهر تبریز)

پدرام رنجبر (دانشجوی کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، نویسندۀ مسئول)
pedramranjbar1993@gmail.com

حبیب احمدی (استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران)
hahmadi@rose.shirazu.ac.ir

ماهرخ رجبی (استادیار جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران)
mrajabi79@gmail.com

چکیده

در سال‌های اخیر ما در فضایی به سر می‌بریم که رسانه‌های نوین نقش اصلی را در شکل‌دهی کنش‌های نوجوانان بازی می‌کنند؛ به‌طوری‌که این رسانه‌های عاملی مؤثر در حفظ نظم اجتماعی و یا ایجاد رفتارهای بزهکارانه هستند. دراین‌بین، همراه با افزایش استفاده از رسانه‌های نوین، بحث سواد رسانه‌ای نیز اهمیت خاصی پیدا کرده است؛ بنابراین، هدف پژوهش حاضر مطالعه رابطه بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه است. برای این منظور تعداد ۳۹۰ نفر از دانش‌آموزان شهر تبریز با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای پیمایش شدند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه بر اساس جنسیت و نوع مدرسه تفاوت معناداری وجود ندارد؛ اما بین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب محل یا منطقه سکونت آن‌ها تفاوت

نشریۀ علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیستم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۶ صص ۲۱۲-۱۸۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۲۶ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰

معناداری وجود دارد. به‌طوری‌که میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین پاسخگویان ساکن مناطق کم‌برخوردار بیشتر از افراد ساکن مناطق نیمه‌برخوردار و برخوردار است. بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده دانش‌آموزان و سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان با تمایل به رفتارهای بزهکارانه به ترتیب (۰/۲۷-) و (۰/۳۳-) همبستگی معنادار معکوسی وجود دارد. علاوه بر این، با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری با بهره‌گیری از نرم‌افزار Amos مشخص شد که پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده (۰/۳۰-) و سواد رسانه‌ای (۰/۳۳-) بر تمایل به رفتارهای بزهکارانه دانش‌آموزان تأثیر دارند.

واژگان کلیدی: سواد رسانه‌ای، رفتار بزهکارانه، بزهکاری، دانش‌آموزان، شهر تبریز.

۱. مقدمه

امروزه فناوری‌های جدید در حوزه اطلاعات و ارتباطات فراتر از مرزهای سرزمین‌ها رفته و زمینه‌های ایجاد یک جامعه جهانی را فراهم نموده‌اند. به این معنی که تغییرات اخیر به وجود آمده در این حوزه تمامی سطوح جامعه را دچار تغییرات اساسی کرده‌اند. به همین سبب، با استفاده از این تکنولوژی‌های پیشرفته در زمینه ارتباطات حجم بالایی از اطلاعات و دانش در دسترس تعداد زیادی از مردم قرار گرفته و نهایتاً منجر به پیدایش پدیده دهکده جهانی شده است. مسئله‌ای که در این عصر از اهمیت زیادی برخوردار است، شیوه مواجهه و استفاده افراد از پیشرفت‌های روز افزون تکنولوژی‌های حوزه اطلاعاتی و ارتباطی است. در این بین، فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی می‌توانند همچون وسیله‌ای مفید به افراد یاری رسانند تا با استفاده از پدیده‌های علمی به روز، حیات دلخواه و آرمانی داشته باشند (شریفی رهنمو و همکاران، ۱۳۹۹).

فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در فرم‌دهی به هنجارها، ارزش‌ها و باورهای کاربران نقش مهمی دارند که بسیار بالاتر از آموزش‌های دانشگاهی و مدرسه‌ای است. همراه با تغییر و تحولات تکنولوژیک، روش‌های یادگیری نیز در حال دگرگونی هستند و دانش‌آموزان باید دست به تحلیل اطلاعاتی بزنند که با چند اشاره به دست می‌آیند. از ارتباط افراد به‌ویژه نوجوانان با

رسانه‌های جمعی نمی‌توان چشمپوشی کرد. ارتباطی که با کنار گذاشتن کار با رسانه‌های ارتباطی قدیمی به سمت رسانه‌های ارتباطی جدید می‌رود. با دسترسی نوجوانان به منابع متنوع در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی آنلاین سهم فیزیکی مرزهای اجتماع کاهش یافته و بر سهم مجازی آن، اضافه می‌گردد. در این بین، نوجوانان صرفاً به اطلاعات مهم و اساسی و محتوای مفید رسانه‌ها دسترسی ندارند و بهره‌گیری آن‌ها تنها نمی‌تواند به موارد علمی و مناسب محدود شود. در این راستا، سواد رسانه‌ای می‌تواند کمک‌کننده آن‌ها در استفاده سالم از رسانه‌ها باشد. سواد رسانه‌ای، نوعی مهارت است که نوجوانان باید همراه با بهره‌گیری از رسانه‌ها و به‌ویژه اینترنت به‌مثابه یک رسانه تعاملی، به آن مجهز شوند. استفاده نوجوانان از رسانه‌های نوین بدون داشتن سواد رسانه‌ای، می‌تواند با پیامدهای نامناسبی همراه باشد. به‌خصوص آن‌که با افزایش شکاف اطلاعاتی و مهارتی بین نوجوانان با والدینشان از یک‌سو و متنوع و تخصصی‌شدن رسانه‌های نوین، اهمیت ارتقای مهارت‌های سواد رسانه‌ای بیشتر از هر زمان دیگری می‌شود. سواد رسانه‌ای از این ظرفیت برخوردار است که مثل یک ناظر هوشمند و نهادی شده، شیوه مصرف رسانه‌ای افراد را سامان بخشد (جعفری، ۱۳۹۷).

امروزه نهاد خانواده، گروه دوستان، نظام تعلیم و تربیت و رسانه‌های ارتباط‌جمعی در اجتماعی‌شدن کودکان نقش دارند، اما با توجه به‌سرعت تغییر و تحولات و شرایط جوامع فعلی، نقش عامل چهارم یعنی رسانه‌ها بسیار بیشتر از سه عامل قبلی است و بدین ترتیب رسانه‌ها می‌توانند درعین‌حال که به درونی شدن ارزش‌های اجتماعی و قوانین کمک کنند، سبب ایجاد رفتارهای ضد اجتماعی شده و قوانین و نظم اجتماعی موجود را بر هم بزنند. بررسی‌های متعدد نشان داده‌اند که گاهی تعداد ساعاتی که نوجوانان از رسانه‌ها استفاده می‌کنند بسیار بیشتر از زمانی است که با خانواده می‌گذرانند و بنابراین امروزه رسانه‌های ارتباطی نقش اصلی را در شکل‌دهی کنش‌های اعضای جامعه بازی می‌کنند حال این کنش‌ها باعث حفظ نظم اجتماعی در جامعه شود و یا سبب کجروی و بزهکاری شود. به نظر می‌رسد بزهکاری نوجوانان ازجمله دانش‌آموزان یکی از پیامدهای اساسی رسانه‌های ارتباطی بر روی آن‌ها است (شریفی، ۱۳۸۸).

وجود رفتارهای بزهکارانه به‌عنوان یک مسئله اجتماعی می‌تواند نظم اجتماعی و امنیت اجتماعی را سلب نماید و نهادهای مهم جامعه همچون خانواده، دین، اقتصاد، آموزش‌وپرورش و سایر نهادها را متزلزل کرده و ارزش‌ها و باورهای جامعه را تضعیف کند. درواقع، بزهکاری نوجوانان با تأثیرات منفی فردی، اقتصادی و اجتماعی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی کشورمان هستند، چراکه ایران کشوری است که ازلحاظ ساختار جمعیتی جوان بوده و بخش قابل‌توجهی از جمعیت آن را جوانان و نوجوانان تشکیل داده‌اند. نوجوانان و جوانان سرمایه‌های هر کشوری به شمار می‌روند و در ادامه زیست انسانی، این گروه از افراد نقش مهمی دارند؛ لذا، مطالعه مشکلات و مسائل جامعه نوجوانان از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا روبه‌رو شدن آنان با مسائل فردی و اجتماعی به‌خصوص از بعد اخلاقی و اجتماعی، کل جامعه را با تهدید مواجه می‌سازد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر، مطالعه رابطه سواد رسانه‌ای با تمایل به بزهکاری دانش‌آموزان دوره متوسطه (دبیرستانی) شهر تبریز است.

۲. مبانی نظری تحقیق

۱.۲. مرور پیشینه

تقی‌زاده (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «اثربخشی آموزش سواد رسانه‌ای بر دانش‌آموزان» با روش شبه آزمایشی و شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای به این نتیجه رسیدند که میانگین نمره دانش‌آموزان گروه آزمایش در توانایی‌های سواد رسانه‌ای، یعنی توانایی استفاده از رسانه، تجزیه‌وتحلیل، تولید و ارسال پیام‌های رسانه‌ای و تفکر انتقادی نیز پس از اجرای دوره آزمایشی به‌طور معناداری افزایش یافت. براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان چنین گفت که آموزش سواد رسانه‌ای بر میزان و سطح توانایی‌های مرتبط با سواد رسانه‌ای در دانش‌آموزان مؤثر است و توسعه آن در مدارس ضرورت دارد.

محمدی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم» با استفاده از رویکرد کیفی به این نتیجه رسیدند که بهبود نظام آموزشی

و گنجاندن دروس مروج قانون و قانون‌پذیری در کتب درسی و استفاده از برنامه‌های حمایتی ناظر به خانواده و هدایت درست برنامه‌های رسانه‌ها می‌توانند شیوه‌های مفید و تأثیرگذاری در راستای حمایت از کودکان بزهکار باشد.

حق‌پرست و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی رابطه سرمایه و سلامت اجتماعی و سواد رسانه‌ای با کاهش آسیب‌های اخلاقی در اینستاگرام پرداخته است. نتیجه این تحقیق نشان داده است که بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی و سواد رسانه‌ای به‌عنوان متغیرهای مستقل تحقیق با آسیب‌های اجتماعی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد و سواد رسانه‌ای بیشترین تأثیر معکوس را بر آسیب‌های اخلاقی اینستاگرام گذاشته است؛ بنابراین هرچقدر سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی بیشتر می‌شود آسیب‌های اخلاقی به‌طور معناداری کاهش می‌یابد.

فرقانی و خدامرادی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «نقش سواد رسانه‌ای در تعدیل اعتیاد اینترنتی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان متوسطه دوم چهار محال بختیاری)» با استفاده از روش آزمایشی و طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل به این نتیجه رسیدند که آموزش سواد رسانه‌ای در تعدیل اعتیاد اینترنتی میان دانش‌آموزان نقش دارد. براساس نتایج این پژوهش، آموزش سواد رسانه‌ای، میزان بهره‌گیری از رسانه، توانایی تحلیل و ارزیابی، تولید پیام‌های رسانه‌ای، برقراری ارتباط با تولیدکنندگان محتوای رسانه‌ای و تفکر انتقادی را در بین دانش‌آموزان افزایش می‌دهد.

یافته‌های تحقیق نورآذر (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تاثیر سواد رسانه‌ای بر کاهش جرایم نوپدید مربوط به استفاده از فضای مجازی در بین جوانان شهر مشگین شهر» نشان می‌دهد که سواد رسانه‌ای تأثیر منفی معنی‌داری بر جرائم نوپدید در فضای مجازی دارد و ضریب بتا نشان می‌دهد که سواد رسانه‌ای ۰/۴۱- تغییرات جرائم نوپدید در فضای مجازی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که از بین ابعاد سواد رسانه‌ای، رژیم مصرفی ۰/۴۴-، ویژگی‌های پیام ۰/۲۹- و نقد پیام ۰/۳۰- تغییرات جرائم نوپدید در فضای مجازی را پیش‌بینی

می‌کند. در نتیجه می‌توان گفت که افزایش سواد رسانه‌ای و ابعاد آن در بین جوانان شهر مشگین شهر، باعث کاهش جرائم نوپدید مربوط به استفاده از فضای مجازی می‌شود.

ملکی و هاشیمان‌فر (۱۳۹۹) در پژوهش خود به بررسی میزان و تأثیر سواد رسانه‌ای نوجوانان بر اغتشاشات پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که سواد رسانه‌ای تأثیر معناداری بر آسیب‌های شبکه‌های مجازی دارد. همچنین بین سواد رسانه‌ای و ابعاد آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی یعنی آسیب خانوادگی، تحصیلی، سازگاری، اعتقادی و روانی نیز همبستگی معکوس معناداری مشاهده شده و در نتیجه نتایج این پژوهش حاکی از این بود که افزایش سواد رسانه‌ای به کاهش آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی و ابعاد آن کمک می‌کند.

یکی دیگر از پژوهش‌هایی که رابطه بین سواد رسانه‌ای و آسیب‌های اجتماعی را با مطالعه شبکه اجتماعی اینستاگرام و نقش پلیس بررسی کرده‌اند در سال ۱۳۹۹ توسط شریفی رهنمو و همکاران انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر همدان بوده است و نتایج آن مؤید رابطه معنادار معکوس بین سواد رسانه‌ای و مؤلفه‌های آن با آسیب‌های اجتماعی است. همچنین از بین مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای (میزان دسترسی به رسانه‌ها، میزان استفاده از رسانه‌ها، تفکر انتقادی و تولید پیام‌های رسانه‌ای) دو مؤلفه دسترسی به رسانه‌ها و تفکر انتقادی بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند.

نتایج پژوهش آقایی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش رفتار مبتنی بر سواد رسانه‌ای در پیشگیری از وقوع انواع جرایم در بین خانوارهای اصفهانی» حاکی از آن است که سواد رسانه‌ای به ترتیب بر جرائم سیاسی با ضریب (۰/۵۵-)، جرائم عقیدتی با ضریب (۰/۴۰-)، جرائم اخلاقی با ضریب (۰/۳۴-)، جرائم امنیتی با ضریب (۰/۳۱-) و جرائم مالی با ضریب (۰/۳۰-) تأثیر معکوس و معناداری داشته است و هرچقدر سطح سواد رسانه‌ای شهروندان بالاتر باشد، سطح ارتکاب به انواع جرائم کمتر می‌شود.

کردی حاجی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان عوامل خطر و محافظت‌کننده بزهکاری کودکان و نوجوانان در بین ۳۸۴ نفر از قضات و مددکاران اجتماعی و مدیران مدارس

استان مازندران با استفاده از روش پیمایشی انجام دادند. یافته‌های این پژوهش به این نتیجه رسیدند که از منظر نمونه موردبررسی، وضعیت اقتصادی خانواده، نظارت و کنترل خانواده و الگوهای اخلاقی و تربیتی خانواده بر بزهکاری اطفال و نوجوانان مؤثر است. براساس یافته‌های این پژوهش بیشترین گرایش را به ارتکاب جرائم مربوط به عفت عمومی و هتک حیثیت رایانه‌ای و خشونت خیابانی است.

بیداروند و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان تأثیر پیشگیرانه سرمایه اجتماعی رسانه‌ای بر بزهکاری در بستر فناوری‌های نوین در دوران کرونا با استفاده از روش پیمایشی در بین ۲۵۰ نفر از دانشگاهیان به این نتیجه رسیدند که افزایش توانایی کاربران در جامعه، بر پایه ترویج سواد مبتنی بر فرهنگ، اخلاق، عدالت و درک آگاهانه و انتقادی از ماهیت رسانه‌های جمعی و فنونی که از سوی تولیدکنندگان رسانه استفاده می‌شود، بر فرد و جامعه در جهت کاهش بزهکاری سایبری مؤثر واقع می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که بین درک محتوای پیام‌ها، آگاهی از اهداف پنهان پیام‌ها، گزینش آگاهانه پیام‌ها، تجزیه‌وتحلیل پیام‌های رسانه‌ای، عقلانیت و نگاه انتقادی به پیام‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی رسانه‌ای با کاهش آمار بزهکاری رابطه مستقیم وجود دارد.

اسکاریر[1] (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان اندازه‌گیری تأثیرات برنامه‌های سواد رسانه‌ای بر اختلافات و خشونت در بین ۵۷ دانش‌آموز به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان تمایل بیشتری به انتخاب افراد غیرتهاجمی داشتند. سایر سنجه‌های استفاده شده پاسخ‌های تلفیقی را نسبت به برنامه‌های سواد رسانه‌ای داشتند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که این برنامه‌ها برای ارتقای موفقیت‌آمیز سواد رسانه‌ای در مدارس و رسیدگی به تعارضات بین فردی در میان دانش‌آموزان ضرورت دارد.

1. Scharrer

چیونگ[1] (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «ارتقاء آموزش سواد رسانه‌ای در چین»، به این نتیجه رسید که بین رفتار نوجوانانی که دارای سواد رسانه‌ای بودند و نوجوانان فاقد این سواد تفاوت معناداری وجود دارد و مهم‌ترین علت آن تفکر انتقادی بوده است.

ملکی (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان نقش سواد رسانه‌ای در مواجهه با افرطی‌گری‌های خشونت به این نتیجه رسیدند که اهمیت پژوهش در زمینه آموزش معلمان مدرسه در سواد رسانه‌ای و دیجیتالی و ساختن برنامه آموزشی مرتبط بومی برای دانش‌آموزان به اندازه فشار برای سیاست‌هایی که برای سواد رسانه‌ای و برنامه‌های آن در مدارس اهمیت دارد.

ساوانا[2] (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان «توانمندسازی زنان اندونزیایی از طریق ایجاد سواد رسانه‌ای دیجیتال»، به روش تحلیل محتوا و مرور روندهای حاکم بر فعالیت‌های زنان در اندونزی سواد رسانه‌ای دیجیتال را بررسی و تحلیل کرده‌اند. نتایج این بررسی نشان داده که سواد رسانه‌ای دیجیتال در برخی از کشورها مانند اندونزی ابزاری برای توانمندسازی زنان بوده است، چراکه در این کشور سواد رسانه‌ای به دلیل آموزش ناکافی، فقدان فرصت‌ها و نظام مردسالاری کم است.

نگل[3] (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «توییتر، خشونت سایبری و نیاز به سواد انتقادی رسانه‌های اجتماعی در آموزش معلمان: مروری بر ادبیات نظری» به روش مروری سواد رسانه‌ای را در سازمان آموزشی بررسی کرده است. نتایج این بررسی تحلیل نشان داده که امروزه در سازمان‌های آموزشی، آموزش‌های چندلایه و سوادآموزی مبتنی بر رسانه‌های جدید از ایده‌های سوادآموزی حمایت می‌کنند، چراکه این ایده‌ها بیشتر بر استفاده از فناوری‌های دیجیتالی در کلاس تمرکز می‌کنند. همچنین در برخی موارد پیامدهای اخلاقی استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای افراد نامشخص است و اغلب عدم امنیت در فضاهای آنلاین نگران‌کننده است، چراکه در

1. Cheunge
2. Suwana
3. Nagle

برخی شبکه‌های اجتماعی مواردی که مورداستفاده و تبلیغ قرار گرفته است، با سوءرفتار و خشونت نژادی روبه‌رو است.

پریرا و مورا[1] (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی شایستگی‌های سواد رسانه‌ای: مطالعه‌ای در بین جوانان پرتغالی»، نشان دادند که بین سواد رسانه‌ای و آسیب‌های اجتماعی، فردی و خانوادگی کاربران فضای مجازی رابطه معنادار معکوسی وجود دارد.

بولگر و دویسون[2] (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «شبکه‌های اجتماعی، وعده‌ها، چالش‌ها و آینده سواد رسانه‌ای»، نشان دادند که سواد رسانه‌ای بالا آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی را به نحو معناداری کاهش می‌دهد.

واحدی و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «آیا مداخلات سواد رسانه‌ای در تغییر نگرش و اهداف نسبت به رفتارهای بهداشتی پرخطر در نوجوانان مؤثر است؟» با استفاده از روش فراتحلیل در دو مرحله، ۳۵ کار پژوهشی مرتبط را موردمطالعه قرار داده‌اند. نتایج آن‌ها نشان داده که مداخلات سواد رسانه‌ای بر کاهش فشار رسانه‌ای برای کاهش رفتارهای بهداشتی پرخطر مؤثرند و تأثیرات مثبتی هرچند کوچک بر نگرش و اهداف رفتاری دارند.

خی[3] و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «فراتحلیل مداخلات سواد رسانه‌ای در رفتارهای انحرافی» به روش فراتحلیل ۲۳ مقاله پژوهشی مرتبط با سواد رسانه‌ای را بررسی و تحلیل کرده‌اند. این فراتحلیل تأثیر مداخلات سواد رسانه‌ای بر رفتارهای انحرافی مانند الکل، استعمال دخانیات، نارضایتی بدن و اختلالات خوردن را آزمایش کرده است و نتایج آن نشان داده که در ارتباط با سواد رسانه‌ای، تأثیر سواد رسانه‌ای بر کاهش رفتارهای انحرافی به اثبات رسیده است.

1. Pereira & Moura
2. Bulger & Davison
3. Xie

مینگویا و هاچینسون[1] (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مداخله سواد رسانه‌ای اجتماعی بر نگرش مثبت به مدیریت بدن: یک مطالعه مقدماتی» به روش کیفی ۸۴ زن جوان را که به‌واسطه تبلیغ رسانه‌ها اقدام به برنزه کردن پوست با وجود خطر سرطان پوست کرده‌اند، موردمطالعه قرار داده‌اند. نتایج این بررسی نشان داده که بهبود مهارت سواد رسانه‌ای باعث کاهش تمایلات افراد به جراحی‌های زیبایی تبلیغ شده از طرف رسانه‌های اجتماعی می‌شود و آموزش سواد رسانه‌ای یک راهکار جدید برای کاهش اثرات مضر پیام‌های رسانه‌های اجتماعی در مورد اقدامات غیرضروری زیبایی پرخطر است.

پورناما[2] و همکاران (۲۰۲۱) پژوهشی را با عنوان «آیا سواد دیجیتالی بر ریسک‌های آنلاین دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد؟» انجام دادند. هدف این مطالعه درک این موضوع است که چگونه سواد دیجیتال، میانجیگری والدین و خودکنترلی بر ریسک آنلاین در طول همه‌گیری کووید–۱۹ در اندونزی تأثیر می‌گذارد. در این پژوهش که با رویکرد کمی انجام شده ۳۰۰ پرسشنامه در بین دانش‌آموزان توزیع شده است. برآورد مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد که سواد دیجیتالی، میانجیگری والدین و خودکنترلی بر ریسک آنلاین تأثیر می‌گذارد. بااین‌حال، میانجیگری والدین در ارتقای خودکنترلی دانش‌آموزان شکست خورد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که هم سواد دیجیتال و هم میانجیگری والدین برای کاهش تأثیر ریسک برنامه آنلاین در فرآیند آموزش و یادگیری باید وجود داشته باشد. براساس یافته‌های این مطالعه، هوشیاری والدین، ارتقای سواد رسانه‌ای و استفاده صحیح از فناوری برای دانش‌آموزان لازم و ضروری است.

در یک جمع‌بندی از پیشینه پژوهش می‌توان گفت که عمده تحقیقات انجام شده در داخل، اشاره مختصری به نقش سازنده سواد رسانه‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته‌اند و تفاوت شاخص این پژوهش با کارهای مشابه انجام شده در این مبحث است که این پژوهش به‌طور اختصاصی نقش رفتار مبتنی بر سواد رسانه‌ای در ارتکاب رفتارهای بزهکارانه را موردبررسی قرار خواهد داد. هم‌چنین پژوهش‌های خارجی انجام شده در خارج تشابه زیادی به پژوهش‌های

1. Mingoia& Hutchinson
2. Purnama

داخلی دارند، اما درنهایت هیچ‌کدام از پژوهش‌های صورت گرفته به مطالعه رابطه بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان نپرداخته‌اند. علاوه بر این، جستجو در پایگاه داده‌های علمی و پژوهشی کشور نشان داد که تا کنون پژوهشی در زمینه رابطه سواد رسانه‌ای با تمایل به رفتارهای بزهکارانه دانش‌آموزان در جامعه موردمطالعه صورت نگرفته است.

۲.۲. چارچوب نظری

براساس تعریف کارشناسان حوزه ارتباطات، سواد رسانه‌ای توانایی دستیابی، تجزیه‌وتحلیل، نقد، ارزیابی و ایجاد ارتباط به شیوه‌های مختلف است (صبری، ۱۳۸۱، ص. ۱۷۰). به نظر آن‌ها فرد دارای این مهارت؛ می‌تواند به شیوه نقادانه، درباره آنچه در مطبوعات، رسانه‌ها، فضای مجازی و... می‌بیند، می‌خواند و می‌شنود، تفکر نماید. همچنین سواد رسانه‌ای ازنظر برخی متخصصان به معنای فراگیری شیوه تولید پیام با استفاده از رسانه‌های چاپی، شنیداری، دیداری و... است (شکرخواه، ۱۳۸۸). سواد رسانه‌ای به معنی این است که فرد در کنار سواد خواندن و نوشتن، بتواند پیام‌ها و اطلاعاتی را که دریافت می‌کند تجزیه‌وتحلیل و ارزش‌گذاری کند و همچنین پیام‌های موردنظر خود را با روش‌های ارتباطی گوناگون به دیگران برساند. بدین معنی که شخص با داشتن این نوع سواد درکی از نحوه کارکرد رسانه‌ها و معنای آشکار و پنهان و اهداف پیام‌هایی را که از سوی آن‌ها دریافت می‌کند پیدا می‌کند و بنابراین تنها مصرف کننده نبوده و اثرات رسانه را غربال می‌کند.

سواد رسانه‌ای این توانایی را فراهم می‌کند که علاوه بر خواندن پیام‌هایی که از سوی رسانه‌ها مخابره می‌شود، بتوان لابه‌لای سطور را خواند و پیام‌های پنهان و ضمنی را دریافت. فردی که سواد رسانه‌ای دارد می‌تواند از رسانه‌ها آگاهانه و گزینشی استفاده کرده و به هدف‌های آن‌ها پی ببرد. این فرد می‌تواند بفهمد که چرا و چگونه یک پیام واحد در رسانه‌های مختلف و با استفاده از جلوه‌های ویژه و سایر تکنیک‌های بصری و شنیداری به شیوه‌های متفاوتی ارائه می‌شود (شکرخواه، ۱۳۸۸). سواد رسانه‌ای فرد را توانمند می‌کند تا سطرهای نانوشته رسانه‌های نوشتاری،

صداهای پخش نشده از رسانه‌ها را یاد بگیرد و با آن‌ها ارتباط برقرار کند. برای مثال، مخاطبی که سواد رسانه‌ای دارد از اهداف و رسالت رسانه‌ها آگاهی داشته و نقش صدا، موسیقی و جلوه‌های ویژه موجود در سینما و تلویزیون را می‌داند و می‌شناسد. چگونه یک پیام واحد در تلویزیون، سینما، روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تابلوهای بزرگ تبلیغاتی و یا بازی‌های رایانه‌ای می‌تواند، اثرات متفاوتی از خود بجا گذارد. سواد رسانه‌ای این فرصت را به مخاطبان می‌دهد تا سبب ارتقای آگاهی آن‌ها به چارچوب‌های شناختی و انتقادی شود و نگاه منتقدانه‌ای به رسانه‌ها و اخبار و اطلاعات منتشر شده از طرف آن‌ها داشته باشد. به یک معنا، سواد رسانه‌ای را می‌توان قدرت مخاطب در تجزیه‌وتحلیل پیام‌های رسانه‌های مختلف توأم با نگاه انتقادی به محتوای آن‌ها قلمداد کرد. سواد رسانه‌ای، مسیری را برای کاربران این شبکه میسر می‌سازد تا حقیقت را در بین به‌هم‌ریختگی حوادث و اطلاعات جستجو کنند و به هدفشان که رسیدن به کامل‌ترین درک ممکن است، دست یابند (نعمتی فر و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۵).

اتحادیه اروپا، سواد رسانه‌ای را «توانایی دسترسی به رسانه‌ها، درک و ارزشیابی محتواهای رسانه‌ای و برقراری ارتباطات در زمینه‌ها و موقعیت‌های متنوع» تعریف کرده است. در ضمن، سواد رسانه‌ای به همه انواع رسانه‌ها ازجمله تلویزیون، رادیو، موسیقی ضبط‌شده، رسانه مکتوب، اینترنت و سایر فناوری‌های جدید دلالت می‌کند (سیلور، ۲۰۰۹، ص. ۱۲). همچنین، سواد رسانه‌ای همانا توانایی دسترسی و تجزیه‌وتحلیل و ارزش‌گذاری پیام‌های رسانه‌ای و اطلاعات از نحوه انتقال آن‌هاست (کانسیداین، ۱۳۷۹).

طبق نظر الیزابت تامن[1] (۱۹۹۵)، سواد رسانه‌ای همچون صافی‌ای داوری‌کننده عمل می‌کند؛ بدین گونه که حجم پیام‌های دریافتی از سه لایه سواد رسانه‌ای که به‌مثابه فیلتر عمل می‌کند عبور می‌کند و نحوه روبرو شدن با پیام را مشخص می‌کند. این سه لایه عبارتند از:

1. Thoman

لایه اول: رژیم رسانه‌ای[1] که به معنای برنامه‌ریزی برای نحوه استفاده از پیام‌ها می‌باشد؛ همان‌گونه که از نام آن پیداست این لایه بر گزینش و کاهش میزان مصرف رسانه‌ها تأکید دارد و شخص انتخاب می‌کند که کدام برنامه را ببیند و روش مشخصی برای انتخاب و بهره‌گیری از رسانه‌های گوناگون دارد.

لایه دوم: در این سطح، کاربر به ابعاد نامحسوس‌تر رسانه‌ای توجه می‌کند و به سؤالات و مسائلی عمیقی همچون چه کسی پیام‌های رسانه‌ای را ایجاد می‌کند؟ چه هدفی با فرستادن پیام دنبال می‌شود؟ چه کسی از فرستادن پیام نفع می‌برد و چه کسی متضرر می‌شود؟ و... می‌پردازد.

لایه سوم: این لایه مهارت‌های ضروری برای تماشای انتقادی[2] رسانه‌هاست. با این مهارت‌ها، کاربر به تجزیه‌وتحلیل و سؤال در مورد چارچوب ساخت پیام و ابعاد جا افتاده در آن می‌پردازد (تامن، ۱۹۹۵). آنچه در این لایه اهمیت دارد، شناخت واقعیت‌ها و ابعادی از پیام است که حذف شده‌اند. به‌بیان‌دیگر، فهم متن از سوی کاربر، در گرو تشخیص جنبه‌های جا افتاده پیام است (کواچ و روزنستیل، ۲۰۰۲). این بخش از سواد رسانه‌ای به‌اندازه‌ای حائز اهمیت است که هابز از آن تحت عنوان «فهم سطح بالاتر» یاد می‌کند. ازنظر هابز، این بعد از سواد رسانه‌ای، توان پیش‌بینی کننده قوی‌ای برای تشخیص نیازها و انتظارات مخاطبان مهیا می‌سازد (هابز، ۲۰۰۳).

تامن بر این اعتقاد است که هرچقدر لایه‌ها عمیق‌تر شوند سواد رسانه‌ای نیز افزایش می‌یابد؛ یعنی لایه اول به کاهش مصرف رسانه و جیره‌بندی آن تأکید دارد، لایه دوم به گزینه پیام‌ها با توجه به ویژگی‌های پیام‌دهنده توجه دارد و لایه سوم شامل نقد این پیام‌ها می‌شود. در نتیجه سواد رسانه‌ای این امکان را مهیا می‌کند که پیام دریافتی، با چالش مواجه شود و کاربر، از شکل انفعالی به حالتی فعال، پرسشگر و خود اظهارکننده برسد (پاکسون، ۲۰۰۵).

سواد رسانه‌ای مهارتی است که کاربر منفعل را به مخاطب فعال تبدیل می‌کند و سبب می‌شود که مخاطب در برابر هر نوع پیام و رسانه نوشتاری، بصری موضع فعالانه داشته باشد؛ بنابراین

---

1. Media Diat
2. Critical viewing

این نوع سواد به‌مثابه داور ذهنی و فیلتر اخلاقی عمل کرده و به‌صورت سیستمی برای تفسیر و گزینش کار می‌کند که نحوه رویارویی با هر نوع پیام دریافتی از سوی رسانه‌ها را تعیین می‌کند و باعث می‌شود کاربران، در استفاده و گزینش پیام‌ها مسئولیت بیشتری احساس کنند.

رسانه‌های جمعی با منعکس نمودن اخبار و اطلاعات مربوط به پدیده‌های جنایی، نه‌تنها نگـرش خاصـی را به کاربران القاءکرده، بلکه دیدگاه‌های افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (گیـدنز، ۱۳۹۳). پس رسانه‌ها نه‌تنها در شکل دادن و مهار کردن جرائم مؤثر هستند، بلکه در پیچیده شدن جرائم و ساماندهی آن نیز نقش دارند و حتی نحوه قضاوت و داوری مردم در خصوص جـرم و نظـام عـدالت کیفـری را نظم می‌دهند و به‌نوعی تفسیر و تعابیر خود را از اخبار به کاربران القا می‌کنند. در نتیجه؛ می‌توان گفت که بخش زیادی از برداشت ما از جـرم و عـدالت محصول تأثیر رسانه‌های جمعی است و تا زمانی که سواد رسانه‌ای وجود نداشته باشد، باعث می‌شود که افراد در اختیار رسانه‌ها قرار گیرند، نه اینکه رسانه‌ها را در اختیار خود بگیرند. در این زمینه، جرم‌شناسان فرهنگی نیز مدعی‌اند که رسانه‌ها از آغاز زندگی تا پایان حیات، افراد جامعه را در خزانه بی‌پایانی از اطلاعات جای می‌دهند. حتی می‌توان گفت که در گردونه رسانه‌ها، انسان‌ها تولدی تازه می‌یابند و اندیشه‌ها و ارزش‌های جدیدی را می‌آموزند. به‌عبارت‌دیگر، رسانه‌ها تأثیر می‌گذارند. درواقع، از نظرگاه جرم‌شناسی فرهنگی، جرم از سوی رسانه‌ها به‌عنوان یک کالا و در جهت عرضه به مشتریان رسانه‌ای (مخاطبان) ارائه می‌گردد (آقائی، ۱۳۹۶، ص. ۲).

به‌طورکلی، رسانه‌ها از گذشته تا حال مفاهیم و پارادایم‌های خود را در قالب خوب در مقابل بد، زشت در برابر زیبا و قهرمان در مقابل شرور به کاربران نشان داده‌اند (باراک، ۱۹۹۴). به بیانی دیگر می‌توان گفت که بازنمایی‌های رسانه‌ای[1]، نوعی برداشت و قضاوت به مخاطبان القاء می‌کند، این موضوع در زمینه وقوع جرم و نحوه پیشگیری از آن نیز صادق است. جرم و عدالت نیز بـه‌طور مناسبی در ایـن قالب‌های اطلاع‌رسانی رسانه‌ای جای مـی‌گیـرد و همیشه تحت تأثیر

1. Media Representations

سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و جهت‌گیری اصلی رسانه‌ها است. بدین‌ترتیب رسانه‌ها از سویی می‌توانند احساس ناامنی را افزایش داده، تمایلات ارتکاب جرم و بزهکاری را تقویت کنند و از سوی دیگر می‌توانند با اطلاع‌رسانی درست مسئولیت تبلیغ الگوهای مناسب برای زندگی سالم را بر عهده گرفته و در نتیجه جرم را در جامعه کاهش داده و احساس امنیت را افزایش دهند.

رسانه‌ها می‌توانند ابزار مناسبی برای روشن شدن اذهان و تلفیق افکار و آراء مخاطبان باشند؛ اما نحوه انعکاس بسیاری از محتواها توسط رسانه‌ها نیز دارای اهمیت است به‌گونه‌ای که رسانه‌ها با انعکاس برخی جرائم و شیوه‌های گوناگون ارتکاب جرم و اعمال خشونت می‌توانند در وقوع جرم در جامعه مؤثر باشند و نتایج کوتاه‌مدت و درازمدتی در این عرصه داشته باشند. به این معنا که با نشان دادن جرائم و ناهنجاری‌هایی نظیر انواع خشونت‌ها، آسیب‌ها، کلاهبرداری و... می‌توانند نوعی هیجان در رفتار کاربران رسانه‌ها ایجاد کنند و آن‌ها را در جهت بروز رفتار ناهنجار ترغیب کنند. درحالی‌که با تمسّک به سواد رسانه‌ای و آشنایی با زوایای پنهان و آشکار فعالیت‌های رسانه‌ای با استفاده از این ابزار، مخاطبان می‌توانند خود، خانواده و فرزندانشان را از قربانی‌شدن در برابر جرائم یا ارتکاب جرم مصون و محفوظ نگاه دارند (ولیزاده و جعفری، ۱۳۹۸، ص. ۲۱۴).

محققان و صاحب‌نظران حوزه جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی این امر را تأیید می‌کنند که قرار گرفتن در معرض خشونت‌های رسانه‌ای، رفتارهای خشونت‌آمیز را افزایش می‌دهند و کودکان را به سمت رفتارهای پرخاشگرانه سوق می‌دهند و عداوت و دشمنی را در آن‌ها تقویت می‌کنند. این امر موجب بروز ترس‌های بسیار، نگرانی‌ها و بی‌خوابی در کودکان می‌گردد. به همین خاطر همان‌طور که دانش‌آموزان وارد عصر فرهنگ اشباع شده توسط رسانه‌ها می‌شوند، نیاز به فراگیری مهارت‌های جدید برای زندگی به‌صورت مستقل و نگاهی پرسش‌گر نسبت به مسائل در جامعه را دارند. همچنین دانش‌آموزان باید مهارت‌های ضروری برای تفکر، رابطه هوشیارانه با رسانه‌ها، استفاده از تفکر انتقادی و تجزیه‌وتحلیل پیام‌های رسانه‌ای نوشتاری، سمعی و بصری را فرا بگیرند. مربیان می‌توانند با ترکیب مهارت‌های سواد رسانه‌ای در فعالیت‌های کلاسی روزمره

شروع کنند، آن‌ها می‌توانند توجه دانش‌آموزان را به عدالت و انصاف و چگونگی عملکرد رسانه‌ها معطوف سازند، زیرا دانش‌آموزان انگیزه بالایی نسبت به تبلیغات فریب‌آمیز و اعمال خشونت‌آمیز در جامعه دارند، می‌توان آگاهی آن‌ها را از روش‌های تولید یک رسانه، اثرات مالکیت رسانه‌های متمرکز بالا برد. همچنین می‌توان به آن‌ها با پرسیدن سؤالاتی درباره آنچه که آنان می‌بینند، می‌خوانند یا می‌شنوند کمک کرد و درک عمیق از رسانه و اثراتش را توسعه داد. سواد رسانه‌ای یک جنبش ضد رسانه‌ای نیست؛ زیرا به‌راحتی می‌تواند با همه اصول هماهنگ شود و مناسب با زندگی دانش‌آموزان و حتی سرگرم‌کننده باشد. سواد رسانه‌ای، توسعه سوادهای سنتی نظیر خواندن، نوشتن، صحبت کردن و گوش دادن است که همه این موارد بر روی تفسیر، تولید و مصرف پیام‌ها تأثیر می‌گذارد (امیر انتخابی و رجبی، ۱۳۹۸، ص. ۷۲).

با توجه به پیشینه تجربی و مبانی نظری پژوهش، فرضیه‌های زیر طرح می‌شوند:

- میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب جنسیت آن‌ها متفاوت است.

- میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب نوع مدرسه متفاوت است.

- میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب منطقه یا محل سکونت آن‌ها متفاوت است.

- بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده فرد و تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد.

- بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد.

۳. روش تحقیق

روش پژوهش به کار گرفته شده در تحقیق حاضر، براساس هدف پژوهش، کاربردی و براساس شیوه جمع‌آوری داده‌ها، پیمایشی است. همچنین بر اساس میزان ژرفایی، پهنانگر بوده و با توجه به عامل زمان، مقطعی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تبریز در سال‌تحصیلی ۱۴۰۱–۱۴۰۲ است که تعداد آن‌ها مطابق با آمار آموزش‌وپرورش شهر تبریز برابر با ۶۰۳۷۷ نفر است. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. روش کار نمونه‌گیری به این صورت است که در مرحله نخست، هر یک از مناطق پنج‌گانه آموزش‌وپرورش شهر تبریز به‌عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد. در مرحله دوم، کار نمونه‌گیری در داخل هر یک از خوشه‌ها (نواحی پنج‌گانه) انجام شد و بر اساس آن همه دبیرستان‌های مقطع دوم دخترانه و پسرانه دولتی، غیرانتفاعی و نمونه دولتی در طرح نمونه‌گیری قرار گرفتند. در مرحله سوم از هر ناحیه، ۶ مدرسه (۲ مدرسه دخترانه و پسرانه دولتی، ۲ مدرسه دخترانه و پسرانه نمونه دولتی و ۲ مدرسه دخترانه و پسرانه غیرانتفاعی) به شکل تصادفی انتخاب شدند. در مرحله آخر از هر مدرسه به شکل تصادفی، ۱۳ نفر پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند. برای انتخاب حجم نمونه، از فرمول عمومی کوکران استفاده شد. با استفاده از این فرمول، حجم نمونه برابر با ۳۹۰ نفر برآورد شد.

$$n = \frac{\mathrm{N.t^2.p.q}}{\mathrm{N.d^2 + t^2.p.q}} = \frac{60377.\,1.96^2.\,0.05.\,0/05}{60377.\,0.05^2 + 1.96^2.\,0.05.0.05} = 390$$

برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با توجه به سطوح سنجش متغیرها از آزمون‌های تفاوت میانگین (T و F) و ضریب همبستگی r پیرسون بهره گرفته شده است. همچنین برای آزمون مدل تدوین‌شده پژوهش از نرم افزار AMOS استفاده شده است. همچنین برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسشنامه ذیل استفاده شده است:

پرسشنامه تمایل به رفتارهای بزهکارانه: منظور از بزهکاری گرایش دانش‌آموزان به اعمال خلاف قانون یا موازین مذهبی و عرف جامعه است که افراد بزهکار میل به انجام آن دارند. در

این تحقیق با بهره‌گیری از پژوهش‌های خوبی‌نژاد (۱۳۹۵) و شریفی (۱۳۸۸)، گرایش به رفتارهای بزهکارانه با استفاده از گویه‌های زیر در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (هرگز، خیلی کم، کم، زیاد، خیلی زیاد) سنجیده شده است:

جدول ۱. عملیاتی‌سازی متغیر گرایش به بزهکاری

متغیر	گویه‌ها
تمایل به رفتارهای بزهکارانه	مصرف دخانیات و قلیان، مصرف مواد مخدر (گل، تریاک، ماری‌جوانا، حشیش و...)، مصرف مشروبات الکلی، تماشای فیلم‌های مبتذل یا پورن، همجنس‌بازی، مصرف قرص‌های روان‌گردان همچون قرص ایکس، روابط جنسی با جنس مخالف، چت کردن با جنس مخالف در رابطه با موضوعات جنسی (سکس چت)، فرار از مدرسه، شرط‌بندی یا قمار، تخریب اموال عمومی یا شخصی دیگران، تقلب در امتحانات، ایجاد مزاحمت در خیابان یا راه مدرسه برای افراد غیرهمجنس، دعوا با دیگران در مدرسه، ضرب‌وجرح یا زدوخورد با دیگران، پوشیدن لباس‌های هنجارشکنانه (همچون زخمی، پاره و...)، شرکت در پارتی‌های مختلط، عدم رعایت قوانین و مقررات مدرسه، ماندن در بیرون از منزل تا پاسی از شب

پرسشنامه سواد رسانه‌ای: سواد رسانه‌ای عبارت است از یک نوع درک متکی بر مهارت که براساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها و انواع تولیدات آن‌ها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد. سواد رسانه‌ای می‌تواند به مخاطبان رسانه‌ها بیاموزد که از حالت انفعالی و مصرفی خارج شده و به معادله متقابل و فعالانه‌ای وارد شوند که درنهایت به نفع آنان باشد (کورتز[1]، ۲۰۰۱). در پژوهش حاضر، مفهوم سواد رسانه‌ای با بهره‌گیری از تحقیق جعفری (۱۳۹۷) عملیاتی شده است. این پرسشنامه دارای سه مؤلفه تنوع و مهارت، جمع‌آوری و تولید اطلاعات و نگاه انتقادی است که دارای ۳۳ گویه می‌باشد که به‌منظور سنجش سطح سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان در قالب طیف لیکرت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در جدول ۲، گویه‌ها و شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش مفهوم سواد رسانه‌ای آورده شده است.

1. Kurtz

جدول ۲. عملیاتی‌سازی متغیر سواد رسانه‌ای

متغیر	بعد	گویه‌ها
سواد رسانه‌ای	تنوع و مهارت	از رسانه‌های نوین مانند اینترنت چقدر استفاده می‌کنید؟ قبل از خرید کالاهای الکترونیکی مثل کامپیوتر، موبایل و...، چقدر از طریق اینترنت در مورد کارآیی آن تحقیق می‌کنید؟ برای بررسی اطلاعات یک رسانه، چقدر به رسانه‌های دیگر مثل اینترنت و... مراجعه می‌کنید؟ برای دسترسی به اطلاعات موردنیازتان در اینترنت، چقدر از جستجوی پیشرفته یا علائم اختصاری (*: " و...) استفاده می‌کنید؟ برای کسب دانش و اطلاعات جدید، چقدر از رسانه‌های مکتوب مانند کتاب، مجلات و... استفاده می‌کنید؟ چقدر برای امنیت اطلاعاتتان، حافظه جانبی گوشی، رایانه یا فلش مموری شخصی‌تان را خودتان پر یا خالی می‌کنید؟ به‌طورمعمول مبادلات بانکی را چقدر از طریق اینترنت، تلفن، یا همراه بانک انجام می‌دهید؟ به‌طورمعمول هنگام استفاده از رسانه‌ها، چقدر به مدت‌زمان صرف شده‌تان توجه می‌کنید؟ در ارسال و دریافت ایمیل اگر با مشکلی مانند ویروس، اسپم، فرمت فایل و... مواجه شدید، چقدر می‌توانید آن را رفع کنید؟ از شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی مثل تلگرام، اینستاگرام، فیس‌بوک و... چقدر استفاده می‌کنید؟
	جمع‌آوری و تولید اطلاعات	به‌طورمعمول چقدر فیلم‌ها و برنامه‌های خارجی موردعلاقه‌تان را به زبان اصلی تماشا می‌کنید؟ چقدر سعی می‌کنید اطلاعات بیشتری در مورد روش‌های کار رسانه‌ها مانند مونتاژ، جلوه‌های ویژه و... به دست بیاورید؟ به‌طورمعمول چقدر فیلم‌های مطرح جهان را تماشا می‌کنید؟ در استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای چقدر می‌توانید شبکه‌های نامناسب برای کودکان را مسدود یا قفل‌گذاری کنید؟ دانش و اطلاعات خود را به شکل کلیپ، کامنت، پست و... چقدر در اختیار دیگران قرار می‌دهید؟ به‌طورمعمول در مورد خبرهای رسانه‌ای چقدر به تاریخ آن‌ها توجه می‌کنید؟ چقدر مطالب مهم روزنامه، مجلات یا کلیپ‌های موردعلاقه‌تان را برای استفاده در آینده ذخیره می‌کنید؟ پشت‌صحنه فیلم‌ها و برنامه‌های مستند را چقدر پیگیری می‌کنید؟ به‌طورمعمول چقدر برای دیدن برنامه یا کسب اطلاعاتی خاص، از رسانه‌ها استفاده می‌کنید؟ پس از کسب اطلاعات جدید از رسانه‌ها، چقدر با دیگران در مورد آن تبادل‌نظر می‌کنید؟
	نگاه انتقادی	به‌طورمعمول برای کسب اطلاعات از رسانه‌ها چقدر به منابع آن‌ها توجه می‌کنید؟ شبکه‌های اجتماعی مجازی چقدر توانسته‌اند مکانی مناسب برای طرح دیدگاه‌های متفاوت و افزایش اطلاعات افراد باشند؟ به‌طورمعمول چقدر از امکانات شبکه‌های اجتماعی مجازی برای دریافت اخبار، اطلاعات آموزشی و... استفاده می‌کنید؟ استفاده

متغیر	بعد	گویه‌ها
		از شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی در جمع‌های خانوادگی یا دوستانه چقدر باعث سردی روابط می‌شود؟ به نظر شما موسیقی و تصاویر پس‌زمینه پیام، چقدر برداشت ما از پیام را تغییر می‌دهد؟ به نظر شما پخش شایعات در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، چقدر بیش از سایر رسانه‌ها است؟ چقدر توسط تلفن، پیامک و... نظرات خود را به شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی منتقل می‌کنید؟ به نظر شما چقدر برخی از رسانه‌ها به جهت حفظ منافع خود، حقایق را وارونه جلوه می‌دهند؟ برخی از رسانه‌ها در بیان آسیب‌های اجتماعی چقدر بزرگ‌نمایی می‌کنند؟ دیدگاه‌های شما به‌طورمعمول چقدر با آنچه رسانه‌ها تعبیر و تفسیر می‌کنند، متفاوت است؟ به نظر شما رسانه‌ها به‌طورمعمول چقدر سبک زندگی مدرن و مدگرایی را ترویج می‌دهند؟ رسانه‌ها به‌طورمعمول چقدر مصرف‌گرایی را تبلیغ می‌کنند؟ به نظر شما تبلیغات تلویزیونی به‌طورمعمول چقدر اغراق‌آمیز هستند؟

پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده: به بخشی از جامعه اطلاق می‌شود که به لحاظ داشتن ارزش‌های مشترک، منزلت اجتماعی معین، فعالیت‌های دسته‌جمعی، میزان ثروت و دیگر دارایی‌های شخصی و نیز آداب معاشرت، با دیگر بخش‌های همان جامعه متفاوت باشد. برای مطالعه ساختار طبقاتی جامعه، از سه روش عمده استفاده می‌شود. این روش‌ها عبارتند از روش‌های اشتهاری، ذهنی و عینی. در روش اشتهاری، پژوهشگر از افراد می‌پرسد که افراد دیگر را در کدام طبقه اجتماعی می‌توان قرار داد. در روش عینی، پژوهشگر ملاک‌های عضویت در طبقه اجتماعی و تعداد طبقاتی را که جامعه به آن‌ها تقسیم شده است تعیین می‌کند و سپس افراد براساس ملاک‌های مشخص، در یک طبقه اجتماعی قرار می‌گیرند. در پژوهش حاضر، پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده افراد از طریق مؤلفه‌های سطح درآمد خانواده، وضعیت شغلی پدر و میزان تحصیلات پدر و مادر به متغیری پنج طبقه تبدیل شده است که عبارتند از: پایین، متوسط رو به پایین، متوسط، متوسط رو به بالا و بالا. با توجه به این‌که ارتباط یا تأثیر اجزای تشکیل‌دهنده این شاخص با متغیر وابسته از الگوی نسبتاً یکسانی برخوردار بوده است، بنابراین به جای استفاده از تک تک ابعاد، از شاخص کل پایگاه اقتصادی- اجتماعی در تحلیل‌ها استفاده شده است. لازم

به ذکر است که شاخص کل پایگاه اقتصادی اجتماعی از طریق استانداردسازی (تبدیل به نمره Z استاندارد) نمرات ابعاد سطح درآمد خانواده، وضعیت شغلی پدر و میزان تحصیلات والدین به دست آمده و لذا تبدیل به متغیری در سطح سنجش فاصله‌ای شده است.

در پژوهش حاضر، روایی ابزار پژوهش از طریق اعتبار صوری یا مراجعه به افراد متخصص و صاحب‌نظر تضمین گردید. بدین منظور، پرسشنامه طراحی شده به همراه چارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش در اختیار اساتید و متخصصین قرار داده شد و نقطه نظرات آن‌ها در تدوین نهایی پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. برای تضمین پایایی (ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسان یا مشابهی به دست می‌دهد) ابزار سنجش از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. اطلاعات جدول ۳ بیانگر آن است که پایایی ابزار متغیرهای پژوهش بالای ۰/۷۰ هستند و بنابراین پرسشنامه طراحی‌شده از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

جدول ۳. ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد گویه	مقدار آلفای کرونباخ
سواد رسانه‌ای	۳۴	۰/۷۸
تمایل به رفتارهای بزهکارانه	۱۹	۰/۸۹

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی پژوهش بیانگر آن است که تعداد پاسخگویان ۳۹۰ نفر است و ۴۹/۷ درصد (۱۹۴ نفر) مشارکت‌کنندگان دختر و ۵۰/۳ درصد (۱۹۶ نفر) پسر هستند. خانواده ۲۰ درصد از پاسخگویان از پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالا، ۱۹/۲۳ درصد متوسط رو به بالا، ۲۰/۵۱ درصد متوسط، ۲۲/۰۵ درصد متوسط رو به پائین و ۱۸/۲۰ درصد نیز از پایگاه اقتصادی- اجتماعی پائین برخوردار هستند. همچنین دانش‌آموزان به شکل برابری از همه مدارس دولتی، نمونه دولتی و غیرانتفاعی با ۳۳/۳۳ درصد (۱۳۰ نفر از هر نوع مدرسه) در پژوهش حاضر حضور یافته‌اند. علاوه بر این، ۳۲/۰۵ درصد پاسخگویان از مناطق محروم یا کم برخوردار شهر تبریز، ۳۶/۱۵ درصد از مناطق نیمه‌برخوردار و ۳۱/۷۹ درصد نیز از مناطق برخوردار هستند.

نتایج مندرج در جدول ۴: شاخص‌های توصیفی سواد رسانه‌ی و تمایل به رفتارهای بزهکارانه را نشان می‌دهد. در تحلیل داده‌ها در ابتدا با بررسی پیش‌فرض‌های آماری با استفاده از کشیدگی و چولگی و همچنین آزمون شاپیرو ویلک نرمال بودن داده‌ها تائید شد. با توجه به مقدار میانگین‌های به دست آمده، نتایج بیانگر آن است که میانگین شاخص سواد رسانه‌ای ۱۱۵/۷۱ برآورد شده است. این مقدار میانگین با توجه به بازه‌ای که این متغیر از آن برخوردار است (۳۳ تا ۱۶۵)، در سطح متوسط رو به بالایی قرار دارد. این بدین معنا است که بخش قابل‌توجهی از پاسخگویان از سواد رسانه‌ای بالایی برخوردارند. همچنین میانگین شاخص گرایش به بزهکاری ۴۲/۱۲ برآورد شده است. این مقدار میانگین با توجه به بازه‌ای که این متغیر از آن برخوردار است (۱۹ تا ۹۵)، در سطح پائینی قرار دارد. این بدین معنا است که بخش قابل‌توجهی از پاسخگویان گرایش به رفتارهای بزهکارانه ندارند.

جدول ۴. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی	شاپیرو ویلک	
			مقدار	مقدار	مقدار	معناداری
سواد رسانه‌ای	۱۱۵/۷۱	۲۰/۵۳	−۰/۰۰۹	۰/۵۵۱	۰/۵۲	۰/۱۸۳
تمایل به رفتارهای بزهکارانه	۴۲/۱۲	۱۴/۹۵	۰/۲۱۲	−۰/۰۸۷	۰/۸۷	۰/۱۵۴

فرضیه ۱: میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب جنسیت آن‌ها متفاوت است.

جدول ۵. آزمون تفاوت میانگین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه بر حسب جنسیت

گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
پسر	۲۸/۹۴	۱۱/۱۴	۱/۲۸	۳۸۸	۰/۲۰۱
دختر	۲۷/۶۰	۹/۵۶			

نتایج مندرج در جدول ۵: تفاوت معناداری بین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه بر حسب جنسیت پاسخگویان با توجه به سطوح معناداری به‌دست آمده که بالاتر از ۰/۰۵ است و نیز مقدار آزمون t که پائین‌تر از ۱/۹۶ است را نشان نمی‌دهد؛ بنابراین، فرضیه اول پژوهش رد می‌شود.

فرضیه ۲: میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب نوع مدرسه متفاوت است.

جدول ۶. آزمون تفاوت میانگین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه بر حسب نوع مدرسه

گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معناداری
دولتی	۲۸/۷۹	۱۰/۴۰	۰/۶۱۶	۰/۵۴۱
نمونه دولتی	۲۷/۶۵	۱۰/۹۱		
غیرانتفاعی	۲۷/۶۰	۱۰/۲۳		

نتایج مندرج در جدول ۶: تفاوت معناداری بین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب نوع مدرسه آن‌ها با توجه به سطح معناداری به دست آمده برای آماره F را که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است نشان نمی‌دهد؛ بنابراین، فرضیه دوم پژوهش رد می‌شود.

فرضیه ۳: میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب منطقه یا محل سکونت آن‌ها متفاوت است.

جدول ۷. آزمون تفاوت میانگین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه بر حسب منطقه سکونت

گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معناداری
برخوردار	۲۶/۴۹	۹/۸۰	۱۴/۵۵	۰/۰۰۱
نیمه‌برخوردار	۲۸/۵۴	۱۰/۹۵		
کم برخوردار	۳۰/۶۵	۱۱/۸۳		

نتایج مندرج در جدول ۷: تفاوت معناداری بین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب محل یا منطقه سکونت آن‌ها با توجه به سطح معناداری به دست آمده برای آماره F که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است را نشان می‌دهد. به‌طوری‌که میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین پاسخگویان ساکن مناطق کم‌برخوردار بیشتر از افراد ساکن مناطق نیمه‌برخوردار و برخوردار است. همچنین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین افراد ساکن مناطق نیمه‌برخوردار بیشتر از افراد ساکن مناطق برخوردار است؛ بنابراین، فرضیه سوم پژوهش تائید می‌شود.

فرضیه ۴: بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده فرد و تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد.

جدول ۸. آزمون رابطه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و تمایل به رفتارهای بزهکارانه

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
پایگاه اقتصادی- اجتماعی و تمایل به رفتارهای بزهکارانه	-۰/۲۷	۰/۰۰۱

نتایج مندرج در جدول ۸: بیانگر آن است که با توجه به سطح معناداری آزمون همبستگی پیرسون که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده دانش‌آموزان و تمایل به رفتارهای بزهکارانه همبستگی (-۰/۲۷) معنادار معکوسی وجود دارد؛ به‌طوری‌که با بالا رفتن پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده فرد، از تمایل آن‌ها به رفتارهای بزهکارانه کاسته می‌شود؛ بنابراین فرضیه چهارم پژوهش تائید می‌شود.

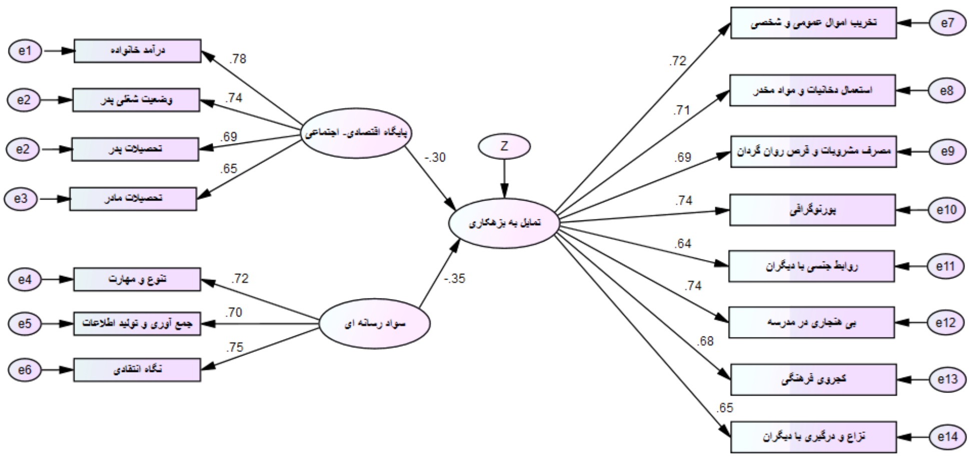
فرضیه ۵: بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد.

جدول ۹. آزمون رابطه بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه	-۰/۳۳	۰/۰۰۱

نتایج مندرج در جدول ۹: بیانگر آن است که با توجه به سطح معناداری آزمون همبستگی پیرسون که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه همبستگی (۰/۳۳-) معنادار معکوسی وجود دارد؛ به‌طوری‌که با افزایش میزان سواد رسانه‌ای افراد، از تمایل آن‌ها به رفتارهای بزهکارانه کاسته می‌شود؛ بنابراین فرضیه پنجم پژوهش تائید می‌شود.

در پژوهش حاضر به‌منظور مشخص نمودن تأثیر متغیرهای مستقل (سواد رسانه‌ای و پایگاه اقتصادی- اجتماعی) بر تمایل به رفتارهای بزهکارانه، مدل نظری یا تدوین‌شده برای پاسخگویان آزمون شده است.



شکل ۱. آزمون مدل تدوین شده پژوهش در حالت استاندارد

نتایج مندرج در شکل ۱: بیانگر آن است که پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده ۰/۳۰- بر تمایل به رفتارهای بزهکارانه تأثیر دارد؛ به‌عبارت‌دیگر؛ پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده یکی از عوامل اساسی در کاهش تمایل به رفتارهای بزهکارانه دانش‌آموزان است. همچنین سواد رسانه‌ای بر تمایل به رفتارهای بزهکارانه ۰/۳۳- تأثیر دارد و این بدین معناست که با افزایش سواد رسانه‌ای، تمایل به رفتارهای بزهکارانه کاهش می‌یابد.

جدول ۱۰. معیارهای برازش مدل

PRATIO	PCFI	PNFI	NFI	CMIN/DF	CFI	RMSE	AGFI	GFI
۰/۸۹	۰/۵۴	۰/۴۹	۰/۹۲	۲/۵۴	۰/۹۳	۰/۰۴	۰/۹۲	۰/۹۰

نتایج مندرج در جدول ۱۰: بیانگر آن است که همه شاخص‌های برازش مدل قابل‌قبول هستند. بنابراین مدل ترسیم شده، مدلی است که می‌تواند تا حدودی داده‌های ما را با مدل نظری تطبیق دهد. به‌عبارت‌دیگر، مدل ما نشان می‌دهد که داده‌های تجربی ما می‌توانند به‌صورت مطلوبی با نظریه‌ها پوشش داده شوند.

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین پسران کمی بیشتر از دختران است ولی این اختلاف معنادار نیست. این یافته در تضاد با یافته‌های پژوهش باصری (۱۳۸۵) است. بااین‌حال در تحلیل این اختلاف مشاهده شده می‌توان گفت که وجود تفاوت‌های زیستی و تربیتی در پسران و دختران، انتظارات فرهنگی و اجتماعی متفاوت و آزادی بیشتر پسران، احتمالاً امکان گرایش به بزهکاری را در پسران افزایش می‌دهد. همچنین ازآنجایی‌که میزان کنترل‌های غیررسمی همچون نظارت والدین، بر روی پسران کمتر از دختران است، میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین پسران بیشتر از دختران است. همچنین خصوصیات یا ویژگی‌های جسمانی پسران، زمینه را برای تمایل به رفتارهای بزهکارانه در پسران مساعدتر می‌کند.

علاوه بر این، دیگر یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب نوع مدرسه آن‌ها تفاوتی وجود ندارد. در تحلیل این یافته نیز می‌توان گفت با توجه به اینکه مدارس بعد از خانواده‌ها مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری دانش‌آموزان هستند و در همه مدارس تقریباً از اصول و استانداردهای مشابهی برای اجتماعی‌شدن و نهادینه نمودن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی استفاده می‌شود، لذا تفاوتی بین نوع مدارس در زمینه تمایل به رفتارهای بزهکارانه وجود ندارد.

سایر یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب محل یا منطقه سکونت آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. به‌طوری‌که میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین پاسخگویان ساکن مناطق کم‌برخوردار بیشتر از افراد ساکن مناطق نیمه‌برخوردار و برخوردار است. همچنین میزان تمایل به رفتارهای بزهکارانه در بین افراد ساکن مناطق نیمه‌برخوردار بیشتر از افراد ساکن مناطق برخوردار است. علاوه بر این، بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده دانش‌آموزان و تمایل به رفتارهای بزهکارانه همبستگی (۰/۲۷-) معنادار معکوسی وجود دارد؛ به‌طوری‌که با بالا رفتن پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده فرد، از تمایل آن‌ها به رفتارهای بزهکارانه کاسته می‌شود. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش‌های خوبی‌نژاد (۱۳۹۵) و باصری (۱۳۸۵) است که در مطالعاتشان نشان دادند پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده‌ها و سکونت در مناطق برخوردار و بالای شهری عاملی مهم در کاهش رفتارهای بزهکارانه افراد هستند. در تحلیل این یافته‌ها با استفاده از نظریه فرهنگ طبقه پائین والتر میلر می‌توان گفت که پسرهای خانواده‌های طبقات پایین، بیشتر از پسرهای سایر طبقات اجتماعی از آزادی و استقلال برای ترک خانه برخوردارند. آنان همین‌طور نسبت به بچه‌های طبقه متوسط برای انجام دادن برخی از بزهکاری‌ها نظیر خوردن مشروبات الکلی و کشیدن سیگار که منتسب به بزرگسالان است مستعدتر هستند؛ زیرا خودمختاری از ویژگی‌های منحصربه‌فرد بچه‌های طبقه پایین است. علاوه بر خودمختاری، قانون و مقررات از منظر جوانان این طبقه، به‌عنوان پدیده‌ای تعریف می‌شود که برای آنان ایجاد زحمت و مزاحمت می‌کند. از طرفی دیگر، جوانان طبقات پایین، پلیس را به‌عنوان منبعی از حفاظت یا خدمات اجتماعی موردتوجه قرار نداده و نقش پلیس را ایجاد زحمت یا مزاحمت و به ستوه آوردن مردم می‌دانند و بر این اساس تمایلی به احترام گذاشتن به پلیس ندارند. چنین نگرشی نسبت به پلیس، جوانان طبقات پایین را برای اعمال بزهکارانه آماده می‌سازد.

بخش دیگری از یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتارهای بزهکارانه همبستگی (۰/۳۳-) معناداری وجود و سواد رسانه‌ای عاملی تأثیرگذار در کاهش تمایل

به رفتارهای بزهکارانه است. این یافته همسو با یافته‌های پژوهش‌های فرقانی و خدامرادی (۱۳۹۸)، نورآذر (۱۳۹۹)، ملکی و هاشیمان‌فر (۱۳۹۹)، شریفی رهنمو و همکاران (۱۳۹۹)، آقایی (۱۳۹۹)، اسکاریر (۲۰۰۹)، پریراومورا (۲۰۱۸) و خی و همکاران (۲۰۱۹) است که سواد رسانه‌ای را عاملی در کاهش آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای انحرافی می‌دانند. در تحلیل این یافته، مطابق با نظریه یادگیری اجتماعی می‌توان گفت که افراد (نوجوانان) رفتارهای بزهکارانه و تمایل به این رفتارها را از منابع مختلف همچون گروه همسالان و رسانه‌ها فرا می‌گیرند. رسانه‌ها با بازنمایی رسانه‌ای، باورها، ارزش‌ها، هنجارها و دیدگاه‌های مختلفی را به مخاطبان القاء می‌کنند. بزهکاری، آسیب‌های اجتماعی، جرم و عدم ارتکاب این رفتارها تحت تأثیر سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و جهت‌گیری‌های اساسی رسانه‌های ارتباط‌جمعی است. درواقع، رسانه‌ها همچون شمشیر دولبه‌ای عمل می‌کنند که می‌توانند تمایلات ارتکاب کجروی و بزهکاری را افزایش دهند و بدین‌ترتیب امنیت و احساس امنیت را کاهش دهند و از سویی دیگر، با اطلاع‌رسانی مناسب و صحیح، الگوهای درست برای یک زندگی سالم را تبلیغ و نهادینه سازند و در نتیجه انحراف و بزهکاری را در جامعه کاهش داده و امنیت و احساس امنیت را تقویت نمایند. همان‌طور که در چهارچوب نظری پژوهش نیز گفته شد، شیوه انعکاس و بازنمایی بسیاری از محتواها توسط رسانه‌ها نیز دارای اهمیت است به‌طوری‌که رسانه‌ها با انعکاس برخی انحرافات و شیوه‌های گوناگون ارتکاب جرم و اعمال خشونت می‌توانند در وقوع جرم در جامعه مؤثر باشند و نتایج کوتاه‌مدت و درازمدتی در این عرصه داشته باشند. به این معنا که با نشان دادن جرائم و ناهنجاری‌هایی نظیر انواع خشونت‌ها، آسیب‌ها، کلاهبرداری و... می‌توانند نوعی هیجان در رفتار افراد ایجاد کنند و آن‌ها را در جهت بروز رفتار جرم و بزهکاری ترغیب کنند. برای مصون ماندن از این هیجانات، داشتن سواد رسانه‌ای الزامی است. سواد رسانه‌ای، دیدگاهی است برای رویارویی با رسانه‌ها و تفسیر پیام‌های دریافتی. با دارا بودن سواد رسانه‌ای و آشنایی با جنبه‌های نهان و آشکار فعالیت‌های رسانه‌ای با استفاده از این ابزار، مخاطبان می‌توانند خود، خانواده و فرزندانشان را از قربانی‌شدن در برابر جرائم یا ارتکاب جرم محفوظ نگاه دارند. در این زمینه،

بیداروند و همکاران (۱۴۰۱) نیز نشان داده‌اند که بین درک محتوای پیام‌ها، آگاهی از اهداف پنهان پیام‌ها، گزینش آگاهانه پیام‌ها، تجزیه‌وتحلیل پیام‌های رسانه‌ای، عقلانیت و نگاه انتقادی به پیام‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی رسانه‌ای با کاهش آمار بزهکاری رابطه مستقیم وجود دارد.

ازآنجایی‌که یافته‌های پژوهش نشان داد بین سواد رسانه‌ای با تمایل به رفتارهای بزهکارانه رابطه معنی‌داری وجود دارد، در جهت ارتقاء میزان سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان لازم است که نظام آموزش‌وپرورش و رسانه ملی که متولیان اصلی آموزش سواد رسانه‌ای به افراد هستند، توجه ویژه‌ای نسبت به آموزش مباحث سواد رسانه‌ای داشته باشند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که از مقطع ابتدایی به آموزش سواد رسانه‌ای از طریق قرار دادن واحدها و دروس مربوطه بپردازد تا این‌که دانش‌آموزان بتوانند از رسانه‌های نوین و فضای مجازی، عاقلانه و هدفمند استفاده کنند و با رویکردی نقادانه نسبت به محتوای رسانه‌ها، اعتبار اطلاعات را از منابع متعدد بررسی و ارزیابی کنند. هم‌چنین رسانه ملی نیز می‌تواند از طریق تولید انیمیشن‌های مختلف و تبلیغات جذاب و نوجوان‌پسند به آموزش سواد رسانه‌ای بپردازد. علاوه بر این، کاهش احساس محرومیت نسبی و رسیدگی به مشکلات اقتصادی افراد در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی و کاهش شکاف اقتصادی نیز می‌تواند عاملی مهم در کاهش تمایلات بزهکارانه در نوجوانان باشد.

کتابنامه

۱. آقایی، م. (۱۳۹۹). نقش رفتار مبتنی بر سواد رسانه‌ای در پیشگیری از وقوع انواع جرایم در بین خانوارهای اصفهانی. *مطالعات پیشگیری از جرم*، *۱۵* (۵۶)، ۱۱۷–۱۳۷.

۲. آقائی، س. (۱۳۹۶). رسانه و جرم از منظر جرم‌شناسی فرهنگی. *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴ (۱)، ۳۵–۱.

۳. امیر انتخابی، ش.، و رجبی، س. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل سطوح مختلف سواد رسانه‌ای. *پژوهش‌های ارتباطی*، *۸* (۳)، ۵۷۳–۵۸۳.

٤. باصری، م. (۱۳۸۵). *بررسی عوامل خانوادگی موثر بر رفتار بزهکارانه نوجوانان: مطالعه موردی شهر شیراز* (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشرنشده). دانشگاه شیراز، ایران.

٥. بیداروند، م.، پورقهرمانی، ب.، و بیگی، ج. (۱۴۰۱). تأثیر پیشگیرانهٔ سرمایهٔ اجتماعی رسانه‌ای بر بزهکاری در بستر فناوری‌های نوین در دوران اپیدمی کرونا. *حقوق فناوری‌های نوین*، ۳(۵)، ۳۳-۵۳.

٦. تقی‌زاده، ع. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش سواد رسانه‌ای بر دانش‌آموزان در شهر کرمان. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۴(۹۲)، ۱۵۳-۱۷۴.

٧. جعفری، م. (۱۳۹۷). *بررسی ارتباط بین سواد رسانه‌ای و گرایش به بزهکاری جوانان* (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشرنشده). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، ایران.

٨. حق‌پرست، ا.، قیومی، ع.، و امیرحسینی، ز. (۱۳۹۷). رابطه سرمایه و سلامت اجتماعی و سواد رسانه‌ای با کاهش آسیب‌های اخلاقی در شبکهٔ اجتماعی اینستاگرام. *مطالعات میان فرهنگی*، ۱۳(۳۵)، ۴۱-۷۰.

٩. خوبی‌نژاد، م. (۱۳۹۵). *بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی مرتبط با رفتارهای نابهنجار در مدرسه و خانه به‌عنوان یک رفتار بزهکارانه در بین دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهر بهمئی* (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشرنشده). دانشگاه شیراز، ایران.

١٠. شریفی، س. (۱۳۸۸). *بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با تمایل دختران به رفتار بزهکارانه (مطالعه موردی دختران ۱۵ تا ۲۴ سال شهر شیراز)* (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشرنشده). دانشگاه شیراز، ایران.

١١. شریفی رهنمو، س.، سراجی، ف.، و شریفی رهنمو، م. (۱۳۹۹). رابطه بین میزان سواد رسانه‌ای با کاهش آسیب‌های اجتماعی استفاده از اینستاگرام با تأکید بر نقش پلیس (موردمطالعه: جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر همدان). *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۱۱(۶۱)، ۱۳۳-۱۵۶.

١٢. شکرخواه، ی. (۱۳۶۸). سواد رسانه‌ای: یک مقالهٔ عقیده‌ای. *فصلنامه رسانه*، ۱۷(۴)، ۲۷-۳۲.

١٣. فرقانی، م.، و خدامرادی، ی. (۱۹۸). نقش سواد رسانه‌ای در تعدیل اعتیاد اینترنتی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان متوسطه دوم چهار محال بختیاری). *مطالعات فرهنگ- ارتباطات*، ۲۰(۴۵)، ۸۵-۱۰۲.

۱۴. کردی حاجی، آ.، حاجی‌تبار فیروزجائی، ح.، و کلانتری، ک. (۱۴۰۱). عوامل خطرآفرین و پیشگیری‌کننده از بزهکاری کودکان و نوجوانان از دیدگاه قضات، مددکاران اجتماعی و مدیران مدارس استان مازندران. *رفاه اجتماعی*، ۲۲(۸۴)، ۱۶۱–۱۸۰.

۱۵. کانسیداین، د. (۱۳۷۹). *درآمدی بر سواد رسانه‌ای* (ن. بلیغ، مترجم). تهران: انتشارات اداره کل تحقیق و توسعه صدا.

۱۶. گیدنز، آ. (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی* (م. صبوری، مترجم). تهران: نی.

۱۷. محمدی، ش.، بیژنی میرزایی، ط.، و حاتمی، م. (۱۳۹۷). نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد. *تدریس‌پژوهی*، ۶(۴)، ۲۳۸–۲۵۸.

۱۸. ملکی، ف.، و هاشمیان‌فر، س. (۱۳۹۹). بررسی میزان و تأثیر سواد رسانه‌ای نوجوانان در بروز اغتشاشات. *دانش انتظامی اصفهان*، ۷(۲۳)، ۷۷–۱۰۵.

۱۹. نعمتی‌فر، ن.، خجسته باقرزاده، ح.، و کاظمی، ه. (۱۳۹۶). مطالعه سطح سواد رسانه‌ای کاربران رسانه‌های اجتماعی. *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، ۴(۱۶)، ۱۴۳–۱۷۵.

۲۰. نورآذر، ف. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر سواد رسانه‌ای بر کاهش جرایم نوپدید مربوط به استفاده از فضای مجازی در بین جوانان شهر مشگین شهر. *نشریه دانش انتظامی اردبیل*، ۷ (۲۷)،۹۰–۱۱۰.

۲۱. ولیزاده، ک.، و جعفری، ع. (۱۳۹۸). نقش کتاب درسی تفکر و سواد رسانه‌ای در ارتقای ابعاد سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوره دوم شهر اردبیل. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۲۶(۴)، ۲۰۹–۲۲۳.

22. Cheunge, C. (2017). Promation media literacy education in China: A case study of a primary school. *International Journal of Adolescence and Youth*, *21*(2), 117-215.
23. Cortes, C. E. (2001). Knowledge construction and popular culture: The media as multicultural educator. *Educational Researcher*, *22*(5), 4-14.
24. Garlan. Bulger, M., & Davison, P. (2018). The social networks, promises, challenges and futures of media literacy. *Journal of Media Literacy Educ*ation, *10* (1), 1-21.
25. Hobbs, F. (2003). Measured multi-modal comprehension & analysis of treatment & control groups of grade 11 concord high school. *Education Media International*.

26. Kovac, B., & Rosenstiehl, T. (2001). *Elements of journalism: What news people should know and the public should expect completely updated and rvised*. New York: Three Rivers Press.
27. Mingoia, J., Hutchinson, A. D., Gleaves, D. H., & Wilson, C. (2019). The impact of a social media literacy intervention on positive attitudes to tanning: A pilot study. *Computers in Human Behavior*, *90*, 188-195.
28. Nagle, J. (2018). Twitter, cyber-violence, and the need for a critical social media literacy in teacher education: A review of the literature. *Teaching and Teacher Education*, *76*, 86-94.
29. Paxson, P. (2005). *Media literacy: Thinking critically*. Portland: Walch Publication.
30. Pereira, S., & Moura, P. (2019). Assessing media literacy competences: A study with Portuguese young people. *European Journal of Communication*, *34*(1), 20-37.
31. Purnama, S., Ulfah, M., Machali, I., Wibowo, A., & Narmaditya, B. S. (2021). Does digital literacy influence students' online risk? Evidence from Covid-19. *Heliyon*, *7*(6), e07406.
32. Scharrer, E. (2009). Measuring the effects of a media literacy program on conflict and violence. *Journal of Media Literacy Education*, *1*(1), 12-27.
33. 33-Silver, A. (2009). A European approach to media literacy: Moving toward an inclusive knowledge society. *Comunicar: Revista Científica de Comunicacíon y Educacíon*, *16*(32), 11-13.
34. Suwana, F. (2017). Empowering Indonesian women through building digital media literacy. *Kasetsart Journal of Social Sciences*, *38*(3), 212-217.
35. Thoman, E. (1995). *The 3 stages of media literacy*. Los Angeles, CA: Center for Media Literacy.
36. Vahedi, Z., Sibalis, A., & Sutherland, J. E. (2018). Are media literacy interventions effective at changing attitudes and intentions towards risky health behaviors in adolescents? A meta-analytic review. *Journal of Adolescence*, *67*, 140-152.
37. Xie, X., Gai, X., & Zhou, Y. (2019). A meta-analysis of media literacy interventions for deviant behaviors. *Computers & Education*, *139*, 146-156.